

نامه سرگشاده جمعی از آزادی خواهان ایران به

ریاست جمهوری

از آنجا که امضای این نامه موجب دستگیری و زندانی شدن ۹

نفر از اعضای نهضت آزادی ایران شد در این مجموعه آمده

است.

بنام خدا

جناب آقای رئیس جمهور

به طوری که همه می دانند انقلابی که در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ در ایران روی داد، دنباله حوادث و مبارزاتی بود که زنجیروار از یکصد سال پیش با قیام تنباکو آغاز گردید. هدف این مبارزات بریدن دست استعمار جهانخوار و رهایی ملت به خواب رفته ایران از بندهای کهنسال استبداد و نادانی و ناتوانی بود و برای رسیدن به آزادی و استقلال و عدالتخواهی. در این رهگذر دو سلسله قاجاریه و پهلوی از قدرت برکنار شدند. امید و انتظار ملت چنین بود که با انقلاب اسلامی ایران سرانجام نور آزادی و عزت استقلال و عدالت الهی بر ظلمت جهل، اسارت استبداد، ذلت فقر و سلطه بیگانگان غلبه خواهد کرد. اما صد افسوس که در دوازدهمین بهار انقلاب جای آزادی و رضایت و رهایی خالی است و از نظر اقتصادی و سیاسی بیش از هر زمان دست بسته و دست به سینه شده ایم.

متأسفانه تذکرات و هشدارهای ناصحان و خیرخواهان نادیده گرفته شده است و اکنون کشور عزیز ما در بن بست و بحرانی از سختی و ناخشنودی و نابسامانی دست و پا می زند. علیرغم وعده های به مستضعفین و شعارهای پر طنین، طبقات محروم جامعه محرومتر و زیاده تر شده اند. در چنگال گرانی و

گره‌های زندگی گرفتارتر و از آینده خود مأیوس‌تر، ملک و ملت به لبه پرتگاه وحشتناک ویرانی و نابودی رسیده است.

به طور کلی و مختصر، پس از ده سال حکومت مطلقه انحصار و اختناق و انحراف، امروز در شرایطی زندگی می‌کنیم که:

۱) از نظر اقتصادی و اجتماعی و زندگی

بر شما و احدی پوشیده نیست که کشور ایران در اثر سالها جنگ خارجی، خروج از آرمانها و اهداف انقلاب و سوء مدیریت مسئولین و متصدیان، دست به گریبان بی‌سابقه‌ترین بحران اقتصادی شده است که توام با تورم، بیکاری، کاهش تولید و تاراج سرمایه‌های خدادادی می‌باشد. درآمد سرانه کشور به نرخ ثابت به کمتر از نصف سال ۵۶ تنزل یافته است. گرانی تصاعدی معیشت و غارت سرسام‌آور یک اقلیت وابسته به حاکمیت از یکطرف و محرومیتها و تنگناهای کمرشکن اکثریت از طرف دیگر، اختلافات طبقاتی و جدایی و کینه‌ورزی را به حد اعلی رسانده است.

همگی نگران از سرنوشت خویش و مملکت‌اند و جوانان و کارکنان به دامن اعتیاد و ارتشاء یا فساد و فحشاء افتاده‌اند!

مردم ایران می‌خواهند بدانند چه جریانها و چه کسانی سرمایه‌های عظیم ملی را که یک رقم آن ۱۷۰ میلیارد دلار درآمد نفت است به باد داده‌اند؟ تا آنجا که وزیر دارایی در مجلس می‌گوید کسری بودجه سال ۶۷ معادل کل درآمدهای ایران به اضافه ۷۶ میلیارد تومان بوده است! مردم ایران می‌خواهند بدانند چه اشتباهات و سوء سیاستها باعث شده است که حاکمیت جمهوری اسلامی ایران پس از آن همه طعنه و تندبها به ابرقدرتهای غرب و بتری جستن از سازمانهای سیاسی و اقتصادی جهان سرمایه‌داری، هم دست تمنا به صورت وام و مشارکت و به بهای از دست دادن استقلال و حیثیت کشور، به سوی صنایع و سرمایه‌ها و سردمداران فاسد آنها دراز کرده است و هم برای اجرای آتش‌بس و خروج از حالت نه

جنگ و نه صلح، امید و آبروی خود را به زیر سایه رأفت و لطف شورای امنیت و قدرتهای بزرگ برده است!

۲) از نظر آزادی و امنیت و از نظر معنوی و مدیریت

از آزادیهای عمومی و امنیتهای سیاسی و قضایی و اقتصادی و از حاکمیت قانون و ملت، آن طور که قانون اساسی مصوب آراء عمومی سال ۵۸ تعیین و تضمین شده است، چیزی جز خاطرات و آرزو باقی نمانده است. بندهای اختناق و انحصار سال به سال تنگتر و تیزتر شده است. نظام جمهوری با گامهای بلند، خصوصاً بعد از بازنگری خود خواسته در قانون اساسی و اختیارات مافوق قانونی که رهبری و حاکمیت به خود داده‌اند، سیر قهقرایی به ضد انقلاب مطلقه و به سلطنت موروثی روحانیت نموده است.

در زمانی چنین سیر قهقرایی به خود کامگی و اختناق در کشور ما روی می‌دهد که رهبران ستمگری و اسارت کمونیسم و فاشیسم با واقع‌نگری و جوانمردی از انحصارطلبی استعفا داده و به آزادی ملتها و کثرت‌گرایی بازگشت نموده‌اند و در اروپای شرقی و در قاره‌های عقب افتاده، امانت آزادی و حقوق انسانی را به صاحبانشان برمیگردانند. از شیلی تا رومانی همه جا پرچم آزادی و حاکمیت مردمی به اهتزاز درآمده است و در حالی که در کوهستانهای دورافتاده هیمالایا مردم نپال تدارک جشن پیروزی بر استبداد را می‌بینند حاکمیت ما با خونسردی و تظاهر به استواری نظاره‌گری می‌نماید و به شعاردادن و ترویج شخص‌پرستی ادامه می‌دهد.

پا به پای زوال آزادی و امنیت، دو مصیبت دلخراشتر نیز دامنگیر ملت شده است. یکی انحطاط معنویت در زمینه‌های دینداری و اخلاق و وطن‌پرستی و دیگر آشفتگی و از هم گسیختگی مدیریت یا حکومت کشور.

به گونه آشکار و علیرغم وظایف و برنامه‌ها و فشارهایی که از ناحیه رهبری و متولیان در راستای اجرا و اشاعه اسلام در ایران و در اقطار جهان پیش گرفته شده است. علاقه و اعتقاد به آئین و احکام اسلامی در اکثریت وسیعی از مردم ایران خصوصاً در جوانان، تنزل فاحش یافته است. دوستی و درستی و راستی که از لوازم عشق به زندگی و بقا و ترقی است به حد تردید و تزلزل گردیده است.

احساس تعهد و خدمت و فداکاری در قبال میهن و هم‌میهنان که قبل از انقلاب رشد مطلوب پیدا کرده بود، جای خود را به سرخوردگی و بی‌تفاوتی و احیاناً به بدبینی و بدخواهی داده است.

اما از حاکمیت قانون و حکومت مردم بر مردم و از تخصص و مدیریت، چه بهتر که سخن نگوئیم. چیزی که مقامات و مسئولان نامش را همیشه به زبان آورده‌اند ولی تیشه به ریشه‌اش زده‌اند و از اعتبار و اثر انداخته‌اند قانون است و حاکمیت قانون و ملت در جمهوری اسلامی ایران. ضمن آنکه برای تخصص و صلاحیت مدیران و سازمان صحیح دستگاهها، در زبان و عمل، ضرورت و ارجی قایل نبوده‌اند. تعدد مراکز تصمیم‌گیری و تضاد نهادها، ملوک الطوائفی و هرج و مرج اداری و به طور کلی بی‌اعتنائی به مسئولیت و مدیریت و نظارت، با پیامدهای ویرانگر آنها، از ویژگیهای بارز نظام حاکم می‌باشد.

۳) از نظر استقلال و بقا و بازنگری کشور

علیرغم کوس پیروزی نهایی جنگ و دفن ابدی استکبار و فتنه در جهان، هنوز بیش از ۲۵۰۰ کیلومتر مربع از خاک وطن ما در چنگ صدام جنایتکار بوده و معلوم نیست که تا کی حالت خفقان‌آور «نه جنگ نه صلح»، سرگردانی اسیران دو طرف، نگرانی از یورش نابهنگام مدعیان خارجی و داخلی و گردشهای نابهنگار روزگار، باید ادامه داشته باشد؟ بدون آنکه آبادی و رفاه و بازسازی موعود و بازگشت ایران به حرکت و حیات صورت جدی و امیدبخش به خود گرفته باشد.

۴) از نظر روابط جهانی و سیاست خارجی

اتخاذ هدفهای احساساتی افراطی، خارج از خواسته‌های نخستین انقلاب و اسلام، سیاستهای نابخردانه و بالاخره ناتوانی مسئولین و نادرستی روشهای پیروی شده در سیاست خارجی، کشور پرافتخار ایران را به بدترین انزوای سیاسی انداخته است، بدنامی و بی‌اعتباری بین‌المللی را نصیبمان کرده است و ما را در معرض دائمی توطئه‌های تلافیگرانه قرار داده است. علاوه بر اینها از ارتباط و احترام و استفاده از جریانهای بین‌المللی محروم گشته‌ایم. آن هم در دنیای بهم پیوسته وحشتناکی که ملت‌های غالب و مغلوب جهان و پیشرفته و عقب‌مانده، در عین رقابت و ترس از یکدیگر، چاره و راهی

برای کامیابی بر مسایل پیچیده و مصائب به هم آمیخته و برای بهبود و بقاء منافع ملی خود، جز تقاهم و تبادل افکار و همگامی و همکاری نیافته‌اند.

جناب آقای رئیس جمهور

با توجه به مراتب فوق از جنابعالی که مسئولیت اجرایی و اداره مملکت را به عهده دارید می‌خواهیم که با صداقت و سرعت اقدامات ذیل را سرلوحه اندیشه و اعمال خود و حاکمیت قرار دهید:

- ۱- جلوگیری از خلفها و خرابیها و از انعقاد قراردادهای اسارت‌آور با بیگانگان، بدون نظارت ملی.
- ۲- بازگرداندن حقوق قانونی مردم که در فصول سوم و پنجم قانون اساسی تصریح گردیده است به مردم و جلوگیری از سیاستهای سرکوبگرانه بعضی از نهادها.
- ۳- آزادگاردن و تأمین فعالیت احزاب و جمعیت‌های سیاسی و مطبوعات که فعالیت قانونی و علنی دارند، فرصت دادن خالی از دغدغه و آزار برای بحث و گفتگو و برخورد آراء و عقاید به منظور حل مشکلات و معضلات مملکتی و همکاری صمیمانه مردم و بالاخره امکان و استقرار حاکمیت قانونی ملت.

امضا کنندگان این بیانیه که در گذشته همواره با حکومت‌های خودکامه و انحصارطلب در ستیز بوده‌اند و بسیاری از آنها به زندان و تبعید محکوم گشته‌اند، با اینکه به تجربه می‌دانند که ممکن است پس از انتشار آن از گزند بدخواهان در امان نباشند، مع‌الوصف برپایه رضای حق و احساس وظیفه و به خاطر سعادت ملت ایران، این نامه را به مقام ریاست جمهوری ارسال داشته، از ایشان می‌خواهند که با دستور نشر آن در مطبوعات و رسانه‌های گروهی قدم اول را در اجرای خواسته‌های مردم و لغو سانسور بردارند و با عنایت و اجرای بندهای سه‌گانه بالا پاسخ سریع به انتظارات به حق ملت ایران بدهند.

تهران اردیبهشت ماه ۶۹

حاج سید ابوالفضل موسوی زنجانی - دکتر مصطفی اخلاقی - علی اردکانی - امیر توکل - امیرابراهیمی - حاج محمد تقی انوری - دکتر غلامعلی اخروی - مهندس مهدی بازرگان - مهندس مرتضی بدیعی - عبدالله برهان‌مهر -

محمد بسته‌نگار - مهندس عبدالعلی بازرگان - مهندس سید صالح بناقتی - دکتر محمد حسین بنی اسدی - محمد علی بهنیا - دکتر فرهاد بهبهانی - دکتر منوچهر بیات - مهندس رضا پویان - دکتر نورعلی تابنده - مهندس عباس تاج - مهندس محمد توسلی حجتی - دکتر غلامعباس توسلی - محمد توسلی - مهدی چهل تنی - مهندس حسین حریری - ابوالفضل حکیمی - عزت‌الله خلیلی - حاج محمد خلیل نیا - دکتر علی خواجوی - مهندس هوشنگ خیراندیش - دکتر حبیب داوران - جمال درودی - عبدالله رادنیا - مهندس محمد رسولیان - بهمن رضاخانی - دکتر شهریار روحانی - یدالله روشن اردلان - زین‌العابدین زاخری - اکبر زرینه باف - مهندس کورش زعیم - دکتر یدالله سبحانی - صادق سرفراز - عباس سمیعی - مهندس عزت‌الله سبحانی - حسین شاه حسینی - ابوالفضل میرشمس شهشهانی - مهندس هاشم صباغیان - احمد صدر حاج سید جوادی - دکتر رضا صدر - حسن طالبی - مهندس اکبر طاهری - دکتر رحیم عابدی - محمود عمرانی - ابراهیم عینکچی - دکتر اصغر غروی - حاج سعید غفارزاده - جلال غنی زاده - مهندس مرتضی فاضلی - سرلشگر ناصر فرید - دکتر غفار فرزندی - دکتر حسن فرید اعلم - سرلشگر مرتضی فکور - مهندس عباس قائم الصباحی - مهندس مصطفی کتیرایی - محمد علی گرجستانی - حاج محمود مانیان - دکتر اسدالله مبشری - سید جواد مادرشاهی - علی مومنی - سرتیپ ناصر مجلی - دکتر علیقلی محمودی بختیاری - حاج محمد محمدی ارهالی - دکتر سید رحمت‌الله میرحقانی - سید مصطفی مصطفوی - مهندس علی اکبر معین‌فر - مهندس تقی مکی نژاد - هرمز ممیزی - خسرو منصوریان - مهندس نظام‌الدین موحد - مهندس رضا مسموعی - سید نورالله میراحمدی - مصطفی مسکین - حسن نامی - سرهنگ غلامرضا نجاتی - صادق نوبری - حسین نایب حسینی - علی وکیل - دکتر محمد هادی هادی زاده - مهندس علیرضا هندی - دکتر ابراهیم یزدی - مهندس حبیب یکتا.